

شناسایی گزاره های شهرسازی مشارکتی در نظام برنامه ریزی شهری ایران

زهرا ستایشی^۱، اسماعیل شیعه^{۲*}، سید مجید نادری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱

چکیده

برنامه ریزی شهری در ایران به ویژه در حوزه شهرسازی مشارکتی با چالش هایی جدی مواجه است. هدف مقاله شناسایی موانع اجرایی، فرهنگی و قانونی موجود و ارائه راهکارهای عملیاتی برای تقویت مشارکت مردمی در تصمیم گیری های شهری است. نتایج این مقاله نشان داد که در نظام برنامه ریزی شهری ایران، مشارکت مردمی هنوز به طور کامل در تصمیم گیری ها دخالت ندارد. مهم ترین موانع شامل ضعف در هماهنگی میان نهادهای دولتی و محلی، محدودیت های فرهنگی و اجتماعی، و نارسایی های قانونی است که مانع از تحقق اهداف شهرسازی مشارکتی می شود. همچنین، قوانین موجود در ایران برای تسهیل مشارکت عمومی به طور کامل به کار گرفته نمی شوند و نیاز به اصلاح دارند. نتیجه گیری این مقاله آن است که برای تحقق اهداف شهرسازی مشارکتی در ایران، باید ساختارهای مدیریتی و قانونی بازنگری شوند. اصلاح قوانین و مقررات، تقویت نهادهای محلی با افزایش ظرفیت های فنی و منابع مالی، و ایجاد بسترهای مناسب برای مشارکت بیشتر شهروندان در فرآیندهای تصمیم گیری شهری، از جمله راهکارهای مؤثر برای گسترش مشارکت مردمی و بهبود کیفیت زندگی شهری است. این مقاله تأکید دارد که تنها از طریق همکاری مؤثر میان نهادهای دولتی، مردمی و خصوصی می توان به اهداف شهرسازی مشارکتی دست یافت.

واژگان کلیدی: شهرسازی مشارکتی، برنامه ریزی شهری، ایران، مشارکت

^۱ - گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، تهران، ایران

^۲ - گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران، رایانامه: es_shieh@iust.ac.ir

^۳ - گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران.

۱- مقدمه

برنامه‌ریزی شهری، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت توسعه شهری، در دهه‌های اخیر تحولات قابل توجهی را تجربه کرده است. تغییرات اساسی در این زمینه، از برنامه‌ریزی متمرکز و از بالا به پایین به سمت برنامه‌ریزی مشارکتی و از پایین به بالا، با هدف پاسخگویی به نیازهای واقعی شهروندان و ارتقای کیفیت زندگی شهری صورت گرفته است. در این راستا، شهرسازی مشارکتی به عنوان رویکردی نوین در نظام برنامه‌ریزی شهری معرفی شده است که تلاش دارد تا شهروندان را در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های شهری به‌طور مستقیم درگیر کند. با این حال، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، تلاش‌ها برای پیاده‌سازی این رویکرد با موانع متعددی روبه‌رو شده است. در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران، همچنان غالب تصمیم‌گیری‌ها به صورت متمرکز و غیرمشارکتی انجام می‌شود که باعث ناکارآمدی در پاسخگویی به نیازهای واقعی شهروندان و کاهش اعتماد عمومی می‌شود. عدم وجود زیرساخت‌های قانونی و نهادی، محدودیت‌های فرهنگی، و عدم پذیرش رویکردهای مشارکتی از جمله عوامل اصلی این چالش‌ها به‌شمار می‌آیند. در این زمینه، لزوم شناسایی و تحلیل گزاره‌های شهرسازی مشارکتی و تطبیق آن‌ها با شرایط بومی ایران بیش از پیش احساس می‌شود. استفاده از ظرفیت‌های محلی و دانش شهروندان می‌تواند فرصتی برای بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌ها و ارتقای پایداری شهری فراهم آورد. ضرورت مقاله در این زمینه از آنجایی ناشی می‌شود که بسیاری از مقالات پیشین تنها به بررسی کلیات و تحلیل‌های موردی پرداخته‌اند و در زمینه شناسایی گزاره‌های شهرسازی مشارکتی و راهکارهای اجرایی کمتر به‌طور جامع به بحث پرداخته شده است. به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران که با چالش‌های خاصی در زمینه مدیریت شهری و مسائل محیط زیستی روبه‌رو هستند، توجه به راهکارهای عملیاتی و سیاست‌گذاری‌های اجرایی در پیاده‌سازی رویکردهای مشارکتی امری ضروری است. هدف اصلی این مقاله شناسایی گزاره‌های شهرسازی مشارکتی در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران و ارائه راهکارهایی است که بتواند موانع اجرایی این رویکرد را برطرف کند و با شرایط بومی و ساختارهای نهادی کشور تطبیق یابد. به‌طور خاص، این مقاله بر شناسایی موانع موجود در اجرای شهرسازی مشارکتی، بررسی چالش‌ها و ارائه راهکارهای عملیاتی برای بهبود این فرآیند متمرکز خواهد بود.

۲- روش تحقیق

این پژوهش به منظور شناسایی موانع و چالش‌های اجرای شهرسازی مشارکتی در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران انجام شده است. روش تحقیق به کار گرفته شده در این مطالعه کیفی و توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از تحلیل محتوای اسناد و بررسی‌های تطبیقی انجام شده است. رویکرد تحقیق این مطالعه از رویکرد تحلیل اسنادی و مطالعات موردی بهره‌برده است تا ابعاد مختلف مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی شهری را بررسی کند. در این راستا، منابعی هم‌چون قوانین شهری، آیین‌نامه‌های اجرایی، مطالعات پیشین، و داده‌های تجربی مرتبط مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

۳- پیشینه تحقیق:

انصاری و همکاران در سال ۱۴۰۳ در تحقیقی تحت عنوان "احیای فضای خاموش مبتنی بر برنامه‌ریزی مشارکتی با رویکرد شهرسازی تاکتیکی (مطالعه موردی: میدان سبحانی شیراز)" بیان داشتند که در شهر فضاهایی وجود دارند که با وجود امکان حضور شهروندان، هیچ‌گاه مورد استفاده قرار نمی‌گیرند و این فضاها ممکن است به دلیل ضعف در برنامه‌ریزی یا عوامل دیگر، به نقاط ضعف اجتماعی تبدیل شوند. بسیاری از این فضاها پتانسیل‌های بالقوه‌ای دارند که در صورت احیاء می‌توانند کیفیت فضایی شهر را ارتقاء دهند. این پژوهش به تجربه سمن

هم ساخت در احیای فضای خاموش مجاور میدان سبحانی شهر شیراز پرداخته و به این سوال پاسخ می‌دهد که چگونه کنش گران و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با مشارکت بهره‌وران، در احیای فضاهای خاموش مؤثر باشند و چه چالش‌هایی در این مسیر وجود دارد. همچنین پژوهش بررسی می‌کند که احیای یک فضای خاموش چه تاثیری بر سایر فضاهای مشابه خواهد گذاشت. نتایج نشان می‌دهند که اگرچه روش‌های شهرسازی تاکتیکی موفقیت‌آمیز بوده‌اند، اما به دلیل عدم اعتماد به مدیریت شهری و عدم تعلق ساکنان به منطقه، مشارکت بهره‌وران محدود بوده و سرمایه اجتماعی کافی برای تغییر ایجاد نشده است. با این حال، این اقدامات باعث تغییرات کالبدی در فضاهای خاموش مشابه و جلب توجه هیئت مدیره مجتمع مسکونی و شهرداری به احیای این فضاها شده است. شکورزاده و همکاران در سال ۱۴۰۱ در تحقیقی تحت عنوان "واکاوی و بررسی نقش و جایگاه مردم در برنامه‌ریزی شهری، شهرسازی مشارکتی" بیان داشتند که برنامه‌ریزی شهری یک فرایند مستمر و در حال تغییر است که هدف آن رسیدن به اهداف خاص است. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع معتبر، به بررسی نقش و جایگاه مردم در برنامه‌ریزی شهری با تأکید بر شهرسازی مشارکتی پرداخته است. حضور مردم در فرآیند تصمیم‌گیری و هماهنگی با مسئولان، باعث دستیابی سریع‌تر به نیازها و خواسته‌های محلی متناسب با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه خواهد شد، که این امر از طریق شهرسازی مشارکتی تحقق می‌یابد. نصیری و همکاران در سال ۱۴۰۰ در تحقیقی تحت عنوان "نظریه شهرسازی مشارکتی و شرایط تحقق آن در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران" بیان داشتند که در سیستم برنامه‌ریزی دولتی و متمرکز که مبتنی بر مهارت‌های فنی و تحلیل‌های علمی تک‌بعدی بود، نظریه‌های جدیدی مانند شهرسازی مشارکتی به‌وجود آمد. در ایران، الگوبرداری سطحی از این نظریات جدید، مانند اجرای قانون شوراها و ایجاد نهاد شورای شهر، موجب ابهاماتی در تحقق واقعی شهرسازی مشارکتی شده است. هدف این پژوهش بررسی شرایط تحقق شهرسازی مشارکتی و پرهیز از الگوبرداری خام از جوامع دیگر است، با تأکید بر نقش نهاد شورای شهر در تغییر رویکرد برنامه‌ریزی شهری به سمت مشارکتی. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و ارزیابی تحقق گزاره‌های شهرسازی مشارکتی و تأثیر آن بر تغییر رویکرد نظام برنامه‌ریزی شهری از متمرکز به مشارکتی از طریق تحلیل جایگاه شورای شهر انجام می‌شود. پژوهش نشان می‌دهد که تغییرات صرفاً قانونی و نهادهی نمی‌توانند شهرسازی مشارکتی را محقق کنند و مشارکت واقعی نیازمند طی مراحل مبانی نظری، فرهنگ‌سازی و ارتقای آگاهی عمومی است.

۴- متون نظری

۴-۱- مشارکت و نظریات مشارکت

مشارکت^۱، از دیدگاه لغوی، به معنای درگیر شدن و گرد هم آمدن افراد برای دستیابی به هدف خاص است. این مفهوم به‌عنوان یک ضرورت اجتماعی و فلسفی، در ابعاد مختلف زندگی انسانی اهمیت زیادی دارد (نوازی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰). اساس فلسفه مشارکت بر پایه ایجاد برابری و عدالت در جامعه استوار است (مرادی، ۱۳۸۰: ۲۲۰). به تعبیر هایدگر، جهان انسانی یک فضای مشترک است که از طریق ارتباط و تعامل با دیگران معنا پیدا می‌کند و از این طریق انسان می‌تواند به حقیقت وجود خود دست یابد (گیوی و مولوی، ۱۴۰۱). همچنین، یاسپرس بر این باور است که انسان‌ها از طریق ارتباط و همکاری با دیگران به تعالی دست می‌یابند و اقبال لاهوری نیز تأکید می‌کند که هویت فردی در ارتباط خلاقانه با دیگران شکوفا می‌شود. این دیدگاه‌ها نشان می‌دهند که انسان به‌عنوان موجودی اجتماعی تنها از طریق مشارکت در جامعه می‌تواند استعدادها و قابلیت‌های خود را نشان دهد (سهرابی، ۱۳۹۸: ۵۰). از منظر فنی، مشارکت افراد جامعه در فعالیت‌ها و فرآیندهای تصمیم‌گیری باعث بهبود بهره‌وری و پیشرفت اجتماعی می‌شود. الگوی مشارکت تنها راهی است که موجب همبستگی اجتماعی و هم‌افزایی میان اعضای جامعه می‌شود تا در جهت اهداف مشترک همکاری کنند. در واقع، توسعه و پیشرفت جوامع به‌طور عمده به مشارکت مردم بستگی دارد. بحران‌های جهانی توسعه و رکود

¹ Participation

اقتصادی نشان داده‌اند که الگوهای مشارکتی می‌توانند راهکارهای بومی و مؤثری برای حل مشکلات فراهم آورند (عبدالحسینی، ۱۳۹۹: ۳۷). در همین راستا، نظریه‌های مختلفی درباره مشارکت وجود دارند که هر یک از جنبه‌ای خاص به تحلیل این مفهوم پرداخته‌اند. نظریه «همراه ساختن»^۱ فرض را بر این می‌گذارد که مشارکت مردم بیشتر به عنوان ابزاری برای کاهش مقاومت آنان در برابر اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها استفاده می‌شود. در این رویکرد، مشارکت مردم بیشتر جنبه صوری دارد و تأثیر واقعی بر تصمیمات نخواهند داشت (صفر نژاد، ۱۳۹۷: ۶۶). در مقابل، نظریه «مشورتی»^۲ بر اهمیت ارتباط مؤثر با مردم تأکید دارد. این نظریه معتقد است که برنامه‌ریزان باید اطلاعات کافی را در اختیار مردم قرار دهند و نظرات آن‌ها را در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها لحاظ کنند تا تصمیمات نهایی با نیازهای واقعی مردم هماهنگ باشد. نظریه «درمان آموزشی-اجتماعی»^۳ بر نقش مشارکت در آموزش و تربیت شهروندان مسئول تأکید دارد و بر این باور است که مشارکت می‌تواند به مردم کمک کند تا مسئولیت‌های اجتماعی خود را بپذیرند و نقش مؤثری در بهبود وضعیت خود و جامعه ایفا کنند. همچنین، نظریه «قدرت جامعه»^۴ بر ضرورت دخالت افراد کم‌درآمد و محروم از قدرت در فرآیند تصمیم‌گیری تأکید دارد. این نظریه به دنبال ایجاد ساختارهای قدرت مستقل در جوامع کم‌درآمد است و می‌خواهد کنترل بیشتری را در دست مردم قرار دهد. اهداف مشارکت شامل نهادینه‌سازی مشارکت، تقویت روحیه انتقادپذیری، ارتقای فرهنگ جامعه به سمت مشارکت خودانگیخته و ایجاد برابری و عدالت اجتماعی است (فرجی راد، ۱۳۹۷: ۵۵). مشارکت همچنین می‌تواند به حل مشکلات پیچیده شهری کمک کند و باعث پویایی در فعالیت‌های اجتماعی شود (حسن زاده باغی و سالاری، ۱۴۰۲). در این زمینه، مشارکت نباید تنها از بالا به پایین یا از پایین به بالا باشد، بلکه باید یک رویکرد ترکیبی باشد که هر دو دیدگاه را در بر گیرد. این رویکرد، از طریق تقویت هماهنگی و هم‌افزایی اجتماعی، می‌تواند نقش مهمی در بهبود کیفیت زندگی و کاهش شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی ایفا کند. در نهایت، مشارکت یک ضرورت اجتماعی است که باعث تقویت پیوندهای اجتماعی، کاهش اختلافات و بهبود کیفیت زندگی در جوامع می‌شود (انصاری و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۶).

۴-۲- شهرسازی مشارکتی

شهرسازی مشارکتی به عنوان یک رویکرد نوین در طراحی و برنامه‌ریزی شهری، بر این اصل تأکید دارد که همه ذینفعان و گروه‌های اجتماعی، از جمله دولت، مردم، بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی، باید در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای پروژه‌های شهری مشارکت داشته باشند (نوغانی، ۱۳۸۷: ۲۰). برخلاف مدل‌های سنتی که تصمیم‌گیری‌ها معمولاً از بالا به پایین و به صورت دستوری انجام می‌شود، این رویکرد به مشارکت گسترده و دموکراتیک تأکید می‌کند (خادم الحسینی و عارفی پور، ۱۳۹۱: ۱۱۱). در شهرسازی مشارکتی، فرآیند تصمیم‌گیری محدود به مقامات و برنامه‌ریزان حرفه‌ای نیست، بلکه به طور فعالانه از نظرات و بازخوردهای گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی استفاده می‌شود. این مشارکت از طریق روش‌هایی مانند نظرسنجی‌ها، مشاوره‌های عمومی، نشست‌های هم‌اندیشی و پلتفرم‌های دیجیتال صورت می‌گیرد (تقوی و روستائی، ۱۴۰۲: ۲۰۰). هدف از این فرآیند این است که نهادها و برنامه‌ریزان با درک دقیق‌تری از نیازها و چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی، طرح‌های شهری را تدوین کنند که متناسب با واقعیت‌های موجود در جامعه باشد (نصیری و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۰۰). از منظر تئوریک، شهرسازی مشارکتی به معنای تعامل و همکاری میان مردم و نهادهای دولتی و خصوصی است که هدف آن بهبود شرایط زندگی شهری با توجه به دغدغه‌های واقعی شهروندان است (عامری و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۵). این رویکرد نه تنها بهبود کالبدی و فیزیکی شهرها را هدف قرار می‌دهد، بلکه به ارتقای کیفیت زندگی شهری از طریق تقویت روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی میان گروه‌های مختلف توجه دارد (روشنی و صرافی، ۱۴۰۰: ۱۰۰). این مدل به

¹ Cooperation theory

² Consultation theory

³ Education-Social therapy theory

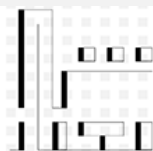
⁴ Community Power theory

کاهش شکاف‌های اجتماعی، افزایش دسترسی به خدمات عمومی و توانمندسازی جوامع محلی در فرآیند تصمیم‌گیری می‌پردازد (مختاری اصل و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۵). علاوه بر این، شهرسازی مشارکتی به دنبال ایجاد فضایی است که در آن تعاملات اجتماعی و فرهنگی میان گروه‌های مختلف شهری به‌طور مؤثر شکل گیرد و در نهایت منجر به ایجاد فضای شهری‌ای شود که به نیازهای فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان پاسخ دهد (فقیرشاکر و همکاران، ۱۳۹۸).

۵- تحلیل

۵-۱- نظام برنامه‌ریزی شهری ایران

نظام برنامه‌ریزی شهری ایران تحت تأثیر ویژگی‌های خاص سیاسی و اجتماعی کشور قرار دارد و در ساختار آن، نهادهای دولتی و مردمی نقشی پررنگ دارند. تحولات تاریخی، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، تأثیرات عمده‌ای در این نظام داشته و باعث تغییرات اساسی در روندهای مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های شهری شده است. نظام برنامه‌ریزی شهری ایران به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر سیاست‌های کلان و ویژگی‌های نظام سیاسی کشور قرار دارد. در این راستا، سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به‌طور مستقیم در فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری تأثیر می‌گذارند. به‌ویژه در دوران پس از انقلاب اسلامی، نظام شهری ایران شاهد تغییراتی اساسی در رویکردهای مدیریتی و ساختار برنامه‌ریزی بوده است. یکی از مهم‌ترین تغییرات، روند تمرکززدایی در فرآیندهای مدیریتی است که باعث تقویت نقش نهادهای محلی و مردمی در برنامه‌ریزی‌های شهری شده است. در این میان، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های شهری از طریق نهادهایی چون شوراهای شهرداری‌ها به‌طور خاص به یک اصل اساسی تبدیل شده است. این تغییرات به‌ویژه به دنبال تلاش برای کاهش وابستگی به دولت مرکزی و افزایش خودکفایی نهادهای محلی در مدیریت شهری بوده است. ساختار قانونی و حقوقی نظام برنامه‌ریزی شهری ایران نقش کلیدی در شکل‌گیری و اجرای فرآیندهای شهری دارد. این ساختار از یک سو تحت تأثیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است و از سوی دیگر، به‌طور مستمر با اصلاحات و قوانین جدید به روز می‌شود تا امکان اجرای برنامه‌ها و نظارت مؤثر بر پروژه‌ها فراهم شود. نظام قانونی و حقوقی در ایران از لحاظ تأثیرگذاری بر برنامه‌ریزی شهری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این سیستم عمدتاً بر مبنای اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استوار است که تأکید زیادی بر عدم تمرکز در اداره امور محلی و تقویت نقش نهادهای مردمی دارد. یکی از نتایج این اصول، اعطای اختیارات بیشتر به شوراهای اسلامی شهر و روستا است که به نوعی تقسیم وظایف میان نهادهای دولتی و مردمی در فرآیند برنامه‌ریزی شهری را ممکن می‌سازد. به‌علاوه، قوانین مختلفی نظیر «قانون تأسیس شهرداری‌ها» و «قانون شوراهای اسلامی شهر و روستا» به‌طور مداوم اصلاح و بازنگری می‌شوند تا به‌روزرسانی لازم برای بهبود فرآیند تصمیم‌گیری و نظارت بر طرح‌های شهری صورت گیرد. این قوانین نه تنها سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های شهری را هدایت می‌کنند بلکه چارچوبی برای نظارت و ارزیابی پروژه‌های شهری فراهم می‌آورند که در نهایت موجب مدیریت مؤثرتر و کارآمدتر در سطوح مختلف شهری و محلی می‌شود. ساختار سازمانی و نهادی نظام برنامه‌ریزی شهری ایران به‌طور چندسطحی سازماندهی شده است و از سه بخش کلان، میانه و محلی تشکیل می‌شود. این ساختار با همکاری بین نهادهای دولتی و مردمی، فرآیندهای اجرایی و تصمیم‌گیری‌های شهری را مدیریت می‌کند. ساختار سازمانی و نهادی نظام برنامه‌ریزی شهری ایران به‌صورت چندسطحی طراحی شده که شامل سه بخش کلان، میانه و محلی است. در سطح کلان، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی مسئول سیاست‌گذاری و نظارت بر فرآیندهای عمومی برنامه‌ریزی شهری هستند، که وزارت کشور و وزارت راه و شهرسازی از مهم‌ترین نهادها در این حوزه به شمار می‌آیند. این نهادها نقش راهبردی در هدایت برنامه‌ها و هماهنگی میان بخش‌های مختلف



دارند. در سطح میانه، استانداری‌ها و فرمانداری‌ها به‌عنوان نهادهای اجرایی و نظارتی عمل می‌کنند که به‌طور همزمان دستورالعمل‌های دولتی را به مرحله اجرا می‌آورند و با شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی همکاری دارند. در سطح محلی، شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی به‌عنوان نهادهای اصلی مدیریت شهری در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرایی مشارکت دارند و تلاش می‌کنند تا با مشارکت مردمی به حل مسائل شهری بپردازند. این ساختار پیچیده به‌طور مؤثری نهادهای دولتی و غیردولتی را به همکاری در برنامه‌ریزی شهری و توسعه محلی وادار می‌کند، ولی در عین حال چالش‌هایی از جمله ناهم‌آهنگی میان نهادهای مختلف وجود دارد که نیاز به تقویت همکاری و هماهنگی میان این سطوح را ضروری می‌سازد. این ناهم‌آهنگی‌ها می‌توانند مانع از اجرای موفق برنامه‌ها و پروژه‌ها شوند و توجه به آن‌ها برای بهبود ساختار برنامه‌ریزی شهری امری حیاتی است. فرآیندهای تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی شهری ایران تحت تأثیر نظام سیاسی و ساختار مدیریتی خاص کشور قرار دارد. این فرآیندها به‌طور عمده در سطوح مختلف از طریق نهادهای دولتی و مردمی صورت می‌گیرد و تلاش می‌شود تا تعادلی میان این دو بخش برقرار شود. با این حال، چالش‌هایی در این زمینه وجود دارد که کارآمدی تصمیم‌گیری‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. فرآیندهای تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی شهری ایران به‌طور عمده تحت تأثیر نظام سیاسی کشور و ساختار مدیریتی آن قرار دارند. در سطح کلان، تصمیمات عمدتاً در وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی اتخاذ می‌شود و در این مرحله جهت‌گیری‌های عمومی کشور مشخص می‌گردد. در سطوح پایین‌تر، نهادهایی مانند شوراهای اسلامی شهر و روستا و شهرداری‌ها نقش فعالی در تصمیم‌گیری‌های محلی ایفا می‌کنند. این تقسیم وظایف به‌گونه‌ای طراحی شده که همواره میان نهادهای دولتی و مردمی تعادل برقرار شود. به این ترتیب، دولت مرکزی سیاست‌های کلان را تعیین می‌کند، در حالی که نهادهای محلی با توجه به نیازهای خاص منطقه‌ای تصمیمات اجرایی و برنامه‌ریزی‌های محلی را به مرحله اجرا می‌گذارند. یکی از ویژگی‌های مهم این فرآیند، وجود نظام مشورتی و مشارکتی است که در آن از طریق جلسات مشاوره عمومی و نظرسنجی‌ها، آگاهی عمومی گسترش یافته و نظرات مردم در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ می‌شود. با این حال، چالش‌هایی مانند عدم هماهنگی کافی میان نهادهای دولتی و محلی، مشکلات اجرایی و قانونی، می‌توانند به موانع عمده‌ای در تحقق اهداف مطلوب برنامه‌ریزی شهری تبدیل شوند. در نتیجه، فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری نیازمند اصلاحات در سیستم‌های مدیریتی و بهبود هماهنگی میان نهادهای مختلف برای افزایش کارآمدی و تحقق اهداف شهری هستند.

۲-۵- تحلیل گزاره‌های مشارکتی

تحلیل گزاره‌های مشارکتی در برنامه‌ریزی شهری به بررسی ابعاد مختلف مشارکت مردمی در فرآیندهای شهری می‌پردازد. این تحلیل نه تنها به شناسایی ظرفیت‌ها و فرصت‌ها بلکه به شفاف‌سازی چالش‌ها و موانع موجود نیز توجه دارد، به‌ویژه در کشوری مانند ایران که با سیاست‌های متمرکز و غیرمتمرکز روبه‌رو است. تحلیل گزاره‌های مشارکتی در برنامه‌ریزی شهری به‌طور گسترده‌ای به بررسی و ارزیابی اصول و شیوه‌های مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و اجراهای شهری می‌پردازد. هدف از این تحلیل شناسایی ابعاد مختلف مشارکت در فرآیندهای شهری است که می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی شهری، توسعه پایدار و کاهش شکاف‌های اجتماعی کمک کند. در این راستا، مهم است که نحوه تعامل میان دولت، نهادهای مردمی و بخش خصوصی در فرآیندهای برنامه‌ریزی شهری به‌طور دقیق مورد تحلیل قرار گیرد. این تحلیل شامل شناسایی ظرفیت‌های قانونی، اجتماعی و اقتصادی است که در آن مشارکت مردمی به‌طور مؤثر می‌تواند به کار گرفته شود و همچنین شفاف‌سازی نقاط ضعف و قوت نظام مشارکت، به‌ویژه ضعف در هماهنگی نهادها و عدم مشارکت مؤثر برخی اقشار اجتماعی، ضروری است. در کشورهایی مانند ایران که تاریخچه‌ای پیچیده از سیاست‌های متمرکز و غیرمتمرکز دارند، تحلیل گزاره‌های مشارکتی می‌تواند به فهم بهتر چالش‌ها و فرصت‌های موجود برای گسترش مشارکت مردمی کمک کند. برای نمونه، در ایران، که در آن نظام مدیریتی از یک‌سو به سمت تمرکززدایی پیش می‌رود و از سوی دیگر با مشکلاتی در اجرای مؤثر سیاست‌های مشارکتی روبه‌رو است، شناسایی این چالش‌ها و فرصت‌ها می‌تواند برای طراحی مدل‌های عملی و راهکارهای مؤثر در بهبود روندهای مشارکت شهری بسیار مفید باشد. در نهایت، این تحلیل به‌منظور تدوین مدل‌هایی است که می‌توانند به ارتقاء مشارکت در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری کمک کنند.

۵-۲-۱- شناسایی ظرفیت‌های قانونی موجود

شناسایی ظرفیت‌های قانونی موجود در حوزه مشارکت شهری، یکی از گام‌های اساسی در تحلیل نظام برنامه‌ریزی شهری است. در ایران، ساختار قانونی در زمینه مشارکت شهری، خصوصاً پس از انقلاب اسلامی، به‌طور قابل توجهی تحولات عمده‌ای داشته است. یکی از مهم‌ترین دستاوردها، تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بود که بر مشارکت مردم در اداره امور شهری تأکید می‌کند. بر اساس این قانون، شوراهای اسلامی شهرها و روستاها به‌عنوان ارکان اصلی مشارکت مردمی شناخته شده و مسئولیت‌های زیادی در فرآیندهای مدیریت شهری به آن‌ها واگذار شده است. علاوه بر آن، قوانین خاصی مانند «قانون تأسیس شهرداری‌ها» و «قانون نوسازی و عمران شهری» نیز وجود دارد که نهادهای دولتی و مردمی را موظف به هماهنگی و تعامل در پروژه‌های شهری می‌کند. این قوانین و مقررات به‌طور عمده در جهت تقویت مشارکت محلی، تسهیل فرآیند تصمیم‌گیری‌های شهری، و ارتقای شفافیت و پاسخگویی نهادهای اجرایی ایجاد شده‌اند. همچنین، وجود برخی از ظرفیت‌های قانونی مانند لزوم مشورت با مردم در امور شهری و توسعه کمیته‌های مردمی برای نظارت بر اجرای پروژه‌ها و طرح‌های شهری، زمینه را برای گسترش مشارکت اجتماعی فراهم آورده است. با این حال، برای بهره‌برداری بهینه از این ظرفیت‌ها، ضروری است که قوانین و مقررات به‌طور دقیق‌تر و هدفمندتر تدوین شوند و به‌ویژه از آن‌ها در سطح محلی و منطقه‌ای به‌طور مؤثری استفاده گردد.

۵-۲-۲- بررسی نقاط ضعف و قوت

بررسی نقاط ضعف و قوت نظام مشارکت شهری در ایران به ما کمک می‌کند تا بر اساس نقاط قوت موجود، فرصت‌های بهبود و اصلاحات لازم را شناسایی کنیم و از این طریق ساختار مشارکت را بهبود بخشیم. یکی از نقاط قوت بارز این نظام، تأسیس شوراهای اسلامی شهر و روستا است که به‌عنوان نماد اصلی مشارکت مردم در اداره امور شهری، نقش مؤثری در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها ایفا می‌کنند. این شوراها با ایجاد فضایی برای مشارکت مستقیم مردم، امکان نظارت و نظرسنجی عمومی را فراهم می‌کنند و این می‌تواند به‌طور مستقیم منجر به بهبود خدمات شهری، توسعه پایدار، و کاهش شکاف‌های اجتماعی گردد. اما با وجود این نقاط قوت، نظام مشارکت شهری در ایران با چالش‌هایی نیز مواجه است. یکی از مهم‌ترین ضعف‌ها، ضعف در هماهنگی میان نهادهای مختلف شهری است. به‌طور مثال، شهرداری‌ها، شوراهای اسلامی و دستگاه‌های اجرایی دولتی به‌طور گاهی فاقد هم‌افزایی مؤثر در فرآیندهای شهری هستند. این عدم هماهنگی باعث ایجاد مشکلاتی در پیاده‌سازی طرح‌های شهری و در نهایت کندی در پیشبرد پروژه‌ها می‌شود. همچنین، در برخی از موارد، محدودیت‌های قانونی و سیاسی باعث می‌شود که مشارکت مردمی به‌طور کامل در فرآیندهای تصمیم‌گیری لحاظ نشود و این می‌تواند به بی‌اعتمادی و کاهش مشارکت عمومی منجر گردد.

۵-۲-۳- تحلیل فرصت‌ها و تهدیدها

تحلیل فرصت‌ها و تهدیدها در نظام مشارکت شهری ایران به‌ویژه در شرایط کنونی که تغییرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سریعاً در حال رخ دادن است، بسیار حائز اهمیت است. در این چارچوب، فرصت‌ها می‌توانند به‌طور عمده در بهبود ساختار قانونی و شفاف‌سازی بیشتر فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری پیدا شوند. یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌ها، استفاده از فناوری‌های نوین برای تسهیل فرآیندهای مشارکت است. به‌ویژه استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال و ابزارهای آنلاین می‌تواند به‌طور چشم‌گیری میزان مشارکت عمومی را افزایش دهد و امکان تبادل سریع‌تر اطلاعات میان شهروندان و مسئولان را فراهم کند. همچنین، افزایش آگاهی عمومی نسبت به اهمیت مشارکت در فرآیندهای شهری می‌تواند موجب تقویت نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های شهری گردد. در مقابل، تهدیدهایی نیز وجود دارند که می‌توانند مانع توسعه و گسترش مشارکت مؤثر در مدیریت شهری شوند. یکی از مهم‌ترین تهدیدها، تمرکزگرایی در بسیاری از فرآیندهای تصمیم‌گیری است که ممکن است مانع از استقلال و کارآمدی نهادهای

محلی و شوراهای اسلامی شود. در بسیاری از موارد، نهادهای دولتی در فرآیندهای مدیریت شهری بیشتر از شوراها و مردم دخالت دارند که این مسئله می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی و عدم تحقق اهداف مشارکتی منجر شود. تهدید دیگر، محدودیت‌های مالی و منابع انسانی است که می‌تواند بر توانمندی‌های نهادهای محلی در انجام پروژه‌های شهری تأثیر منفی بگذارد. در این راستا، تقویت ظرفیت‌های مالی و انسانی در سطوح مختلف شهری و تشویق بخش خصوصی به مشارکت در پروژه‌های شهری می‌تواند به کاهش تهدیدهای مذکور کمک کند.

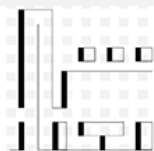
۳-۵- تحلیل موانع اجرایی

۳-۵-۱- موانع ساختاری

موانع ساختاری یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در مسیر اجرای مؤثر نظام مشارکت شهری است. این موانع به عدم هماهنگی و انسجام میان نهادها و سازمان‌های مختلف شهری، ساختارهای پیچیده اداری و قانونی، و کمبود منابع مالی و انسانی اشاره دارند. یکی از بزرگ‌ترین موانع ساختاری در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران، پراکندگی وظایف و مسئولیت‌ها میان نهادهای دولتی و محلی است. برای مثال، در برخی موارد، سیاست‌های کلان کشور در سطح ملی با نیازهای محلی و منطقه‌ای هم‌راستا نیست و این امر موجب سردرگمی در تخصیص منابع و اجرای پروژه‌های شهری می‌شود. علاوه بر این، ضعف در ساختارهای قانونی و نظارتی، عدم وجود چارچوب‌های مشخص و شفاف برای مشارکت عمومی و کمبود قوانین حمایتی و اجرایی از دیگر موانع ساختاری هستند. این مسائل موجب می‌شوند که بسیاری از طرح‌ها و پروژه‌های شهری که به‌طور بالقوه می‌توانند از مشارکت مردم بهره‌مند شوند، با مشکل مواجه شوند. به‌ویژه در مورد طرح‌های شهری که نیازمند همکاری بین بخش‌های مختلف دولتی، خصوصی و مردمی هستند، نبود هماهنگی و تداخل در مسئولیت‌ها می‌تواند موجب کاهش اثربخشی این طرح‌ها گردد. برای رفع این موانع، نیاز به بازنگری در ساختارهای قانونی و اجرایی، بهبود هماهنگی میان نهادها، و ایجاد چارچوب‌های واضح و قابل اجرا برای مشارکت عمومی است.

۳-۵-۲- موانع فرهنگی-اجتماعی

موانع فرهنگی و اجتماعی به عواملی اشاره دارند که ناشی از باورها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی است و می‌توانند بر فرآیند مشارکت شهری تأثیرگذار باشند. یکی از بزرگ‌ترین موانع فرهنگی در نظام مشارکت شهری ایران، فقدان آگاهی عمومی از اهمیت مشارکت است. بسیاری از مردم هنوز به‌طور کامل از حقوق و مسئولیت‌های خود در فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری آگاه نیستند و این عدم آگاهی می‌تواند منجر به مشارکت کم یا عدم مشارکت در طرح‌های شهری شود. علاوه بر این، برخی از ویژگی‌های فرهنگی مانند سنت‌گرایی، عدم اعتماد به نهادهای دولتی، و ترس از تغییرات می‌تواند مانع از مشارکت فعال مردم در برنامه‌ریزی شهری شود. در برخی موارد، جامعه ممکن است نسبت به فرآیندهای مشارکتی که از نهادهای دولتی یا غیردولتی شروع می‌شود، بی‌اعتماد باشد و این بی‌اعتمادی می‌تواند فرآیندهای مشارکت را با مشکل روبرو کند. همچنین، تفاوت‌های اجتماعی مانند تفاوت‌های اقتصادی، قومی و آموزشی می‌تواند باعث ایجاد نابرابری در دسترسی به فرصت‌های مشارکت شود. به‌طور مثال، گروه‌های کم‌درآمد و اقلیت‌های قومی ممکن است به دلایل مختلف نتوانند به‌طور مؤثر در فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری حضور یابند. برای مقابله با این موانع، نیاز به ترویج فرهنگ مشارکت، افزایش آگاهی عمومی، و ایجاد فضاهای برابر برای همه اقشار جامعه در فرآیندهای شهری است.

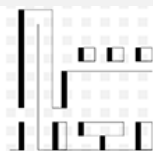


۳-۳-۵- موانع مدیریتی

موانع مدیریتی به مشکلاتی اشاره دارند که در سطح تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌های شهری ناشی از ضعف در مدیریت و رهبری است. یکی از مهم‌ترین موانع مدیریتی در نظام مشارکت شهری ایران، ناکارآمدی ساختارهای مدیریتی و اجرایی است. این مشکلات ناشی از ضعف در برنامه‌ریزی، عدم تخصص کافی در مدیریت پروژه‌ها، و عدم توانمندی در ارزیابی و نظارت بر طرح‌های شهری است. بسیاری از پروژه‌های شهری به دلیل ضعف در مدیریت، دچار تأخیر، افزایش هزینه‌ها، و عدم تحقق اهداف می‌شوند. در سطح مدیریتی، گاهی اوقات مدیران شهری و مقامات مسئول فاقد درک کافی از نیازهای واقعی مردم هستند و این امر می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌هایی شود که نه تنها به نفع مردم نیست، بلکه موجب کاهش مشارکت آن‌ها نیز می‌شود. علاوه بر این، در برخی موارد، عدم وجود شفافیت در فرآیندهای مدیریتی و تصمیم‌گیری موجب بروز فساد و عدم پاسخگویی می‌شود و این موضوع می‌تواند اعتماد عمومی را نسبت به نظام مشارکت شهری کاهش دهد. برای مقابله با این موانع، تقویت سیستم‌های مدیریتی، بهبود شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری، و ارتقای توانمندی‌های مدیران شهری ضروری است. همچنین، استفاده از فناوری‌های نوین برای مدیریت پروژه‌ها و نظارت بر روند اجرا می‌تواند به افزایش اثربخشی برنامه‌ها کمک کند.

۴-۵- راهکارهای پیشنهادی

برای افزایش مشارکت مؤثر مردم در امور شهری، اصلاحات قانونی مشخصی مورد نیاز است. نخستین اقدام، بازنگری و به‌روزرسانی قوانین شوراهای اسلامی شهر و روستا است. این قوانین باید به‌طور دقیق‌تر و شفاف‌تر مشخص کنند که چه نوع تصمیماتی نیاز به تصویب مردمی دارند و چگونه می‌توان مشارکت عمومی را در فرآیندهای تصمیم‌گیری تقویت کرد. یکی دیگر از اصلاحات ضروری، تدوین قوانین حمایتی جدید برای تشویق بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد به همکاری در پروژه‌های شهری است. این قوانین می‌توانند شامل مشوق‌های مالیاتی، تسهیلات اعتباری و حقوق مشارکت در برنامه‌ریزی‌های شهری باشند. از سوی دیگر، لازم است قوانین مربوط به شفافیت و پاسخگویی نهادهای شهری تقویت شود. با وضع قوانینی که نهادهای مسئول را ملزم به ارائه گزارش‌های عمومی، انتشار داده‌های مرتبط با طرح‌ها و نظارت دقیق بر نحوه هزینه‌کرد منابع می‌کند، می‌توان اعتماد عمومی را افزایش داد. همچنین، باید قوانینی تصویب شود که دسترسی همه اقشار جامعه به فرآیندهای مشارکت را تضمین کند و از تبعیض در فرآیندهای تصمیم‌گیری جلوگیری نماید. ساختار مدیریتی موجود نیازمند تغییرات بنیادین است. نخستین گام، تفکیک دقیق‌تر وظایف میان نهادهای دولتی و محلی است تا تداخل مسئولیت‌ها کاهش یابد و کارآمدی اجرایی افزایش پیدا کند. این تفکیک وظایف باید همراه با ایجاد دفاتر هماهنگی در هر سطح باشد تا اطمینان حاصل شود که پروژه‌ها به‌صورت منسجم اجرا می‌شوند. دیگر تغییر پیشنهادی، تقویت ظرفیت‌های فنی و انسانی در نهادهای محلی است. این امر می‌تواند شامل تأسیس مراکز آموزشی و پژوهشی محلی باشد که کارمندان شهرداری و اعضای شوراها را برای مواجهه با چالش‌های شهری آموزش دهند. همچنین، ضروری است که ساختارهای جدیدی برای مدیریت مالی و تخصیص منابع در سطح محلی طراحی شود تا شهرداری‌ها بتوانند به‌طور مستقل‌تر منابع مالی خود را مدیریت کنند. افزایش استفاده از فناوری اطلاعات و ابزارهای دیجیتال نیز یک تغییر ساختاری کلیدی است. ایجاد سامانه‌های یکپارچه برای ارائه خدمات شهری، نظارت بر پروژه‌ها و مشارکت آنلاین شهروندان، می‌تواند به افزایش کارآمدی و کاهش هزینه‌ها کمک کند. این تغییرات ساختاری به‌طور کلی می‌تواند فرآیندهای تصمیم‌گیری را تسهیل و نهادهای محلی را تقویت کنند. در کنار اصلاحات قانونی و تغییرات ساختاری، راهکارهای اجرایی مشخصی نیز باید پیاده‌سازی شوند. یکی از این راهکارها، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و جلسات مشورتی با حضور مردم محلی، کارشناسان شهری و نمایندگان نهادهای دولتی و غیردولتی است. این جلسات می‌توانند به شناسایی دقیق نیازها و چالش‌های شهری کمک کنند و زمینه‌ساز برنامه‌ریزی‌های مؤثرتر شوند. دیگر راهکار اجرایی، پیاده‌سازی طرح‌های آزمایشی در محله‌های کوچک‌تر است. این طرح‌ها می‌توانند به‌عنوان نمونه‌ای از فرآیندهای مشارکتی موفق عمل کنند و در صورت دستیابی به نتایج مثبت، در مناطق دیگر نیز اجرا شوند. به‌عنوان مثال، یک پروژه بازسازی یک پارک محلی می‌تواند با مشارکت مستقیم شهروندان، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی اجرا شده و از این تجربه برای سایر پروژه‌ها استفاده گردد. همچنین، ایجاد



پلتفرم‌های دیجیتال مشارکت عمومی می‌تواند به‌عنوان یک راهکار اجرایی مهم در نظر گرفته شود. این پلتفرم‌ها به مردم اجازه می‌دهند تا نظرات و پیشنهادات خود را مستقیماً به مدیران شهری منتقل کنند، در رأی‌گیری‌های آنلاین شرکت کنند و روند اجرای پروژه‌ها را در زمان واقعی مشاهده نمایند. این ابزارها نه تنها فرآیندهای تصمیم‌گیری را شفاف‌تر می‌کنند، بلکه مشارکت شهروندان را به یک سطح جدید ارتقا می‌دهند.

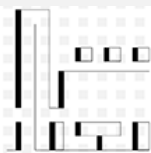
۶- نتیجه گیری

برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت توسعه شهری، در دهه‌های اخیر دچار تحولات زیادی شده است. یکی از این تحولات مهم، تغییر رویکرد از برنامه‌ریزی متمرکز و از بالا به پایین به سمت برنامه‌ریزی مشارکتی و از پایین به بالا است. در این راستا، شهرسازی مشارکتی به‌عنوان رویکردی نوین مطرح شده که هدف آن درگیر کردن مستقیم شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای پروژه‌های شهری است. با این حال، در بسیاری از کشورها، به‌ویژه در ایران، پیاده‌سازی این رویکرد با چالش‌هایی مواجه بوده است که باعث عدم تحقق اهداف مشارکتی به‌طور کامل شده است. هدف اصلی این مقاله شناسایی و تحلیل گزاره‌های شهرسازی مشارکتی در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران و بررسی چالش‌ها و فرصت‌های موجود برای بهبود این فرآیند بوده است. نتایج مقاله نشان داد که مشارکت مردمی در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران با موانع و چالش‌های زیادی مواجه است. در سطح کلان، سیاست‌های متمرکز و تصمیم‌گیری‌های دولتی بیشترین تأثیر را دارند، در حالی که نهادهای محلی همچنان نقش محدودی در تصمیم‌گیری‌ها دارند. نهادهایی مانند شوراهای اسلامی شهر و روستا، که باید به‌عنوان ارکان اصلی مشارکت مردمی عمل کنند، هنوز با مشکلاتی نظیر فقدان هماهنگی و عدم توانمندی در برخی مناطق روبرو هستند. علاوه بر این، ظرفیت‌های قانونی و اجتماعی موجود به‌طور کامل از مشارکت مؤثر شهروندان بهره‌برداری نمی‌شود و قوانین موجود نیاز به اصلاح و به‌روزرسانی دارند. گزاره‌های اصلی شهرسازی مشارکتی در ایران به چند بعد کلیدی تقسیم می‌شوند. اولین بعد، تقویت مشارکت مردمی در فرآیندهای تصمیم‌گیری است. این امر نیازمند ایجاد بسترهای مناسب برای حضور فعال‌تر شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری از طریق نهادهایی مانند شوراهای اسلامی شهر و روستا می‌باشد. مشارکت شهروندان باید از سطح محلی تا ملی به‌طور مؤثر و هماهنگ در فرآیندهای برنامه‌ریزی شهری گنجانده شود. دومین گزاره، هماهنگی مؤثر میان نهادهای دولتی و محلی است. در بسیاری از موارد، ناهماهنگی‌ها میان نهادهای دولتی و محلی باعث می‌شود که طرح‌ها به‌طور کامل اجرایی نشوند. برای تحقق شهرسازی مشارکتی، باید این هماهنگی‌ها بهبود یابد تا برنامه‌ها به‌طور مؤثر در سطح محلی اجرا شوند و نیازهای منطقه‌ای به درستی مورد توجه قرار گیرد. سومین گزاره، اصلاح قوانین و مقررات است. در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران، قوانین موجود نیاز به بازنگری دارند. تصویب قوانین جدیدی که مشارکت عمومی را تسهیل کنند و از تبعیض‌ها در دسترسی به فرآیندهای مشارکت جلوگیری نمایند، ضروری است. این اصلاحات می‌توانند بستری فراهم کنند تا شهروندان بتوانند به‌طور مؤثرتری در فرآیندهای شهری مشارکت کنند. چهارمین گزاره، تقویت نهادهای محلی است. افزایش ظرفیت‌های فنی، مدیریتی و منابع مالی نهادهای محلی به‌ویژه شهرداری‌ها و شوراهای می‌تواند به این نهادها کمک کند تا در تصمیم‌گیری‌های شهری مشارکت بیشتری داشته باشند و استقلال بیشتری در مدیریت امور شهری پیدا کنند. در نهایت، این مقاله به این نتیجه رسید که برای تحقق اهداف شهرسازی مشارکتی در ایران، لازم است که ساختارهای مدیریتی و قانونی بازنگری شوند و هماهنگی مؤثری میان نهادهای دولتی، مردمی و خصوصی برقرار شود تا مشارکت عمومی به نحو مؤثری ارتقا یابد و کیفیت زندگی شهری بهبود پیدا کند.

منابع

- انصاری، م.، و همکاران. (۱۴۰۳). احیای فضای خاموش مبتنی بر برنامه‌ریزی مشارکتی با رویکرد شهرسازی تاکتیکی (مطالعه موردی: میدان سبحانی شیراز). مجله منظر، ۱۶ (۶۷)، ۱۴-۲۵. ##
- تقوی، نعیمة، و همکاران. (۱۴۰۲). تبیین تمایل به اقتصاد مشارکتی در سکونت‌گاه مشارکتی. فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی، ۱۴ (۵۵)، ۱۹۱-۲۱۱. ##

- حسن‌زاده باغی، ب. و سالاری پور، ع. ا. (۱۴۰۲). تحلیلی بر جایگاه مشارکت در نظام برنامه‌ریزی شهری با تأکید بر نقش شهروندان. پنجمین کنفرانس بین‌المللی و ششمین کنفرانس ملی عمران، معماری، هنر و طراحی شهری.
- خادم‌الحسینی، احمد، و عارفی پور، صفیه. (۱۳۹۱). شهرسازی مشارکتی و جایگاه مردم در برنامه‌ریزی شهری. مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی (چشم‌انداز جغرافیایی)، ۷(۱۹)، ۱۰۸-۱۲۳.
- روشنی، ص. و صرافی، م. (۱۴۰۰). تحول برنامه‌ریزی شهری و پیوندهای آن با مسئله ایران در نظام دانش جدید. نشریه دانش شهرسازی، ۵(۳)، ۹۱-۱۰۶.
- سهرابی، ر. (۱۳۹۸). شهرسازی مشارکتی و جایگاه مشارکت مردم در شهر. انتشارات سنجش و دانش. ۹۲.
- صفرنژاد، ع. (۱۳۹۷). شهرسازی مشارکتی و بافت‌های فرسوده شهری. موسسه اندیشه کامیاب ایرانیان. ۱۸۲.
- عامری، ز.، خسروی، ا. و مقدسی، م. ب. (۱۳۹۸). مولفه‌های بودجه‌ریزی شهری مشارکتی شایسته با نگاهی به نظام حقوقی ایران. نشریه حقوق اداری، ۶(۱۹)، ۷۹-۹۶.
- عبدالحسینی، م. (۱۳۹۹). مشارکت شهروندی (در مدیریت شهری). انتشارات لوح سفید. ۹۶.
- فرجی راد، خ. (۱۳۹۷). مرور الگوهای نهادی- سازمانی پیشنهادی برای مدیریت مجموعه‌های شهری کشور و تبیین دلایل عدم تحقق آن‌ها. فصلنامه شهر پایدار، ۱(۲)، ۴۷-۶۴.
- فقیرشاکر، ن. و همکاران. (۱۳۹۸). بررسی نظریات و تجارب شهرسازی مشارکتی و جایگاه آن در برنامه‌ریزی شهری ایران. چهارمین کنفرانس بین‌المللی مقاله در علوم و مهندسی.
- گیوی، ا. و مولوی، م. (۱۴۰۱). مروری بر ویژگی‌های نظریه برنامه‌ریزی مشارکتی در برنامه‌ریزی شهری. در مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی عمران، معماری و مدیریت شهری، اهواز.
- مختاری اصل، غ. ر.، حافظی فر، م. و نصرتی، ز. (۱۴۰۰). شهرسازی مشارکتی با تأکید بر نقش کودکان در فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی شهری در دوران کرونا. فصلنامه مطالعات طراحی شهری و مقاله‌های شهری، ۴(۲)، ۳۱-۴۴.
- مرادی مسیحی، و. (۱۳۷۹-۱۳۸۰). مقالاتی در زمینه جامعه‌شناسی شهری دانشکده معماری مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران. ###
- نصیری، ی.، داودپور، ز. و معینی‌فر، م. (۱۴۰۰). نظریه شهرسازی مشارکتی و شرایط تحقق آن در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران. فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۱۱(۱)، ۶۹۳-۷۱۴.
- نوازی، س.، پرک، م. و صالحی، ا. (۱۳۹۷). دیدگاه‌های جهانی و تجربیات بین‌المللی در حوزه برنامه‌ریزی مشارکتی محیط زیست شهری. نشریه محیط زیست و توسعه، ۹(۱۷)، ۵-۱۶.
- نوغانی، م. و همکاران. (۱۳۸۷). شهر، شهروند و مشارکت. انتشارات به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)، سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری مشهد.



۸-پيوست:

- ۱ Participation
- ۲ Cooperation theory
- ۳ Consultation theory
- ۴ Education-Social therapy theory
- ۵ Community Power theory

۱-مشارکت

۲-همراه ساختن

۳-مشورتي

۴-درمان - آموزشي_ اجتماعي

۵-قدرت جامعه

Identification of Participatory Urban planning Statements within the Urban planning system of Iran

Abstract

Urban planning in Iran, particularly in the field of participatory urbanism, faces significant challenges. The aim of this paper is to identify existing executive, cultural, and legal barriers and propose practical solutions to enhance public participation in urban decision-making processes. The results of this paper show that in the urban planning system of Iran, public participation is still not fully involved in decision-making. The main obstacles include a lack of coordination between government and local institutions, cultural and social limitations, and legal deficiencies that prevent the realization of participatory urbanism goals. Additionally, existing laws in Iran that could facilitate public participation are not fully implemented and require reform. The conclusion of this paper is that, in order to achieve the goals of participatory urbanism in Iran, managerial and legal structures must be revisited. Legal and regulatory reforms, strengthening local institutions through enhanced technical capacities and financial resources, and creating appropriate frameworks for increased citizen participation in urban decision-making processes are key solutions to expanding public participation and improving urban life quality. This paper emphasizes that only through effective collaboration between governmental, public, and private institutions can the goals of participatory urbanism be achieved.

Keywords: Participatory Urbanism, Urban Planning, Iran, Participation